

10.30497/IFR.2022.240538.1602



20.1001.1.22518290.1400.11.1.4.2

Bi-quarterly Scientific Journal of "Islamic Finance Researches", *Research Article*,
Vol. 11, No. 1 (Serial 21), Autumn 2021 & Winter 2020

Research on the *Fiqhi*- Financial Base of Prudence about Others' Properties

Akbar Mahmoodi*

Received: 21/02/2021

Accepted: 21/10/2021

Abstract

Islam considers special respect for the property of others and has established the principle of sanctity of possession. The jurisprudential rule of prudence in regard to property is in line with this respect and principle and stipulates that in case of lacking in the permission to possess the property of others, the principle should be based on the sanctity of possession, hence a prohibition on possessing it. The main question here relates to the content and documents and scope of the precautionary rule about other people's properties, which is answered through descriptive-critical analysis and library documents and in the framework of Islamic texts. The main justification for this is the independent rule of reason and other factors, namely the holy Quranic verse forbidding the possession of property in vain, consensus, special care required by *Shari'a*, the rule of respect, the life of religious law experts, the principle of prudence, the law of the *Shari'a* and the suspension of the ruling on possession of property over existence. These in turn confirm the rule of reason. The ruling of *Shari'a* in this regard is, therefore, based on guidance provided by reason and the wise, and *Shari'a* does not have an independent edict in this regard. This jurisprudential rule applies to vital and risky properties and is valid in legal and thematic doubts and about Muslims and non-*harbi* (not deserving to be fought with) infidels but doesn't apply to *harbi* infidels because their property is not respected. *Ibaha* (permissibility) does not apply to the property of others, but only where the subject is doomed to be abusive by nature and its sanctity is doubted, and it also applies where the intellect does not independently justify the seizure of the property of others. This is because the priority is given to the sanctity of other people's property and the reason accepts this when it is not afforded sufficient contrary knowledge.

Keywords

Financial *Fiqhi* Rule; Property of Others; *Fiqhi* Precaution; Respect for Property; Priority of Property Sanctity.

JEL Classification: Y7, Y8, Z10, Z12.

* Professor, Mustafa International University, Qom, Iran. mahmoodiakbar24@gmail.com



پژوهشی در قاعده فقهی مالی احتیاط در اموال دیگران**اکبر محمودی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۹

مقاله برای اصلاح به مدت ۴ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

اصل در فقه بر حرمت تصرف در اموال دیگران در صورت عدم علم به جواز است. سؤال اصلی این مقاله چیستی مفاد، مستند، قلمرو، کاربرد و کارکرد قاعده احتیاط در اموال دیگران است که با روش تحقیق توصیفی تحلیلی انتقادی و اسناد کتابخانه‌ای در چارچوب متون فقهی به آن پاسخ می‌دهد. دلیل اصلی برای این قاعده حکم مستقل عقل است و ادله دیگر از جمله آیه نهی از اکل مال به باطل، اجماع، اهتمام ویژه شریعت، قاعده احترام، سیره متشرعان، اصل احتیاط، سیره شارع و تعلیق حکم جواز تصرف در اموال بر امر وجودی به‌عنوان مؤید حکم عقل هستند. بنابراین حکم شرع در این باره از باب ارشاد به حکم عقل و امضای بنای عقلاء بوده و شرع جعل مستقلی ندارد. این قاعده اختصاص به اموال زیاد و خطیر دارد و در شبهه‌های حکمی و موضوعی و درباره مسلمانان و کافران غیرحربی جریان دارد؛ ولی درباره کافران حربی جریان ندارد، زیرا مال آنان احترامی ندارد. اصالت اباحه درباره اموال دیگران جریان ندارد، زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع برحسب طبیعتش محکوم به اباحه باشد و در حرمتش به دلیل عروض عوارض خارجی شک شود و همچنین در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح تصرف در اموال دیگران نداشته باشد، درحالی‌که اصل در اموال دیگران بر حرمت تصرف بوده و عقل در آن حکم مستقل به قبح اقدام در صورت عدم علم می‌دهد. در صورت تصرف در مالی که باید در آن احتیاط شود، اگر بعد روشن شود که در واقع تصرف در آن جایز بود، آن تصرف باز حرام است؛ ولی موجب ضمان متصرف نمی‌شود. همچنین اگر بعد روشن شود که در واقع تصرف جایز نبوده، آن تصرف حرام بوده و موجب ضمان متصرف در صورت انتقال مال به او یا استیفایش از منافع مال می‌شود.

واژگان کلیدی

قاعده فقهی مالی؛ اموال دیگران؛ احتیاط فقهی؛ احترام اموال؛ اصالت حرمت تصرف در اموال.

طبقه‌بندی JEL: Y7, Y8, Z10, Z12.

مقدمه

اموال از اموری است که همیشه اشخاص و جوامع با آن ارتباط تنگاتنگ در زندگی روزمره داشته و دارند و موضوع برای احکام و قوانین بسیاری از سوی نهادهای دینی و حکومتی بوده و هست. بر همین اساس از اهمیت بسیار فراوانی در نزد همگان - اعم از مردم عادی و مسئولان - برخوردار است.

بنای دین اسلام - به عنوان یکی از نهادهای تأثیرگذار در جوامع - بر وجوب احتیاط در مسائل نیست؛ چراکه پیامدهای منفی فراوانی برای اعضای جامعه - از جمله عسر، حرج، اختلال نظام، تکلیف به غیرمقدور و... - به دنبال خواهد داشت. ولی دین اسلام در برخی از امور از جمله جان، اموال، نوامیس و آبروی دیگران به جهت وجود مصالح برتر و حساسیت‌های ویژه، از این مبنای کلی خارج شده و اصل را در آن‌ها بر احتیاط مقرر کرده است.

سؤال اصلی در مقاله حاضر چیستی مفاد، مستند، قلمرو، کاربردها و کارکردهای قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران است. این مقاله در مقام پاسخ به این سؤال با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی تحلیلی انتقادی و اسناد کتابخانه‌ای و در چارچوب متون اسلامی به بررسی جامع پیرامون قاعده احتیاط در اموال دیگران، مفاد، مستندات، قلمرو، کاربردها، کارکردها و دیگر امور مرتبط با آن به لحاظ فقهی می‌پردازد تا فرضیه خودش - که حجیت این قاعده فقهی به صورت اجمالی هست - را اثبات کند. در ساختار مقاله ابتدا مفاد قاعده احتیاط در اموال دیگران را بررسی شده و سپس قاعده فقهی بودن آن را اثبات می‌شود و سپس مستندات قاعده را واکاوی کرده و بعد از آن قلمرو، کاربردها و کارکردهای آن تحلیل می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

فقه‌اء از گذشته تاکنون در مسائل گوناگون و فراوانی به قاعده احتیاط در اموال دیگران تمسک می‌کنند (ر.ک: سبزواری، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۵۰) و حکم به وجوب احتیاط در اموال دیگران می‌دهند (ر.ک: شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۹؛ شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص. ۱۱۷)

در میان آثار علمی برخی از نگاشته‌های مربوط به این موضوع مشاهده می‌شود. سلامی‌زاده و رشوند (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده احترام در فقه امامیه»، به صورت عام به احترام می‌پردازند که یکی از اقسام آن می‌تواند احترام مال انسان باشد که در این مقاله به آن به صورت مفصل پرداخته نشده است.

توکلی‌زاده و عامری‌نیا (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «استثنائات قاعده فقهی احترام مال مسلمان و عمل او»، فقط به استثناءهای قاعده فقهی احترام مال مسلمان می‌پردازند و از آنجایی که به احترام عمل او نیز پرداخته خیلی گذرا از بحث احترام مال گذشته است.

دو مقاله فوق، فقط درباره احترام به صورت کلی یا احترام مال بحث می‌کنند و بحثی پیرامون احتیاط در اموال دیگر انجام نمی‌دهند. خاطر نشان می‌گردد بحث احتیاط پله‌ای بالاتر از بحث احترام است.

بر این اساس تاکنون هیچ اثری - کتاب، پایان‌نامه، مقاله و... - به صورت جامع و مستقل به تحلیل و بررسی در زمینه مفاد، مستندات، قلمرو، کاربردها، کارکردها و دیگر امور مرتبط با قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران نپرداخته است.

مقاله حاضر با توجه به اهمیت و ضرورت بحث قاعده احتیاط در اموال و احساس خلأ اثر علمی مستقل و جامع درباره آن به رشته تحریر درمی‌آید که همین نکته جنبه نوآوری بودن آن را تضمین می‌نماید.

۱-۲. مفاد قاعده احتیاط در اموال دیگران

احتیاط در لغت به معنای پوشش دادن، احاطه کردن، دوره کردن، جمع کردن، انتخاب مطمئن‌ترین راه، مراعات کردن، توجه به همه جوانب، استوار کردن، هوشیاری، تدبیر، دوراندیشی، عاقبت‌اندیشی، چاره‌اندیشی؛ پختگی و... آمده است (فراهیدی، ۱۴۲۴ق، ۳۷۳/۱؛ رازی، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۹ق، ص. ۴۲۲؛ فیومی، ۱۴۰۵ق، ص. ۱۵۷؛ معین، ۱۳۸۶، ص. ۹۶؛ انوری، ۱۳۸۲، ص. ۲۶۵)

اصل احتیاط و اشتغال از اصول عملی است (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ص. ۳۴۳) که در اصطلاح فقهی و اصولی به معنای اتخاذ روشی است که با آن براءت یقینی ذمه انسان

حاصل شود (کرکی، ۱۳۹۶، ص. ۲۲۳)، یعنی چیزی که احتمال می‌رود واجب باشد، انجام شود و چیزی که احتمال می‌رود حرام باشد، ترک شود (انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۴۰۳).

اصل احتیاط در هم احکام شرعی و هم موضوعات خارجی دارای حکم شرعی جریان می‌یابد (ر.ک: صدر، ۱۴۳۱ق، ص. ۷۹) قلمرو اصل احتیاط علم اجمالی است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص. ۱۵۶)

اموال جمع مال است که لغویون معنای آن را معروف برشمرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۲۴ق، ص. ۱۷۳؛ جوهری، ۱۴۲۸ق، ص. ۱۱۰۴) و به معنای آنچه در ملکیت انسان باشد، هر چیزی که قابل ملکیت باشد، دارایی، ثروت، جنس، کالا و... آمده است (فیروزآبادی، ۱۴۲۹ق، ص. ۱۵۶۵؛ عسکری، ۱۴۳۳ق، ص. ۴۷۲؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۹۸۴؛ انوری، ۱۳۸۲، صص. ۶۵۳۸-۶۵۳۹)

مال در اصل اعم از ملک است؛ زیرا شامل هر چیزی می‌شود که عقلاء بدان رغبت داشته و خواهان تصرف در آن هستند؛ ولی ملک به معنای مالی است که تحت تصرف کسی درآمده باشد. بنابراین ملک اخص از مال است. مال در برخی موارد در معنای مترادف با ملک (به معنای مملوک) به‌کاربرده می‌شود. مال در فقه هرچند در هر دو معنا (اعم و مترادف) به‌کاربرده می‌شود؛ ولی در بیشتر موارد در معنای مترادف با ملک به‌کاربرده می‌شود و مراد از آن هر چیزی است که عقلاء بدان رغبت داشته و تحت تصرف کسی درآمده باشد (مشکینی، ۱۳۷۷، ص. ۴۶۶).

شکی نیست که عقل و نقل حکم به رجحان و نیکویی احتیاط حتی در صورت وجود اماره بر اباحه و حلّیت می‌دهند (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۳۷؛ خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص. ۳۵۴) ولی شکی نیز نیست که احتیاط در برخی از امور موجب اختلال در نظام، عسر، حرج و تکلیف به غیرمقدور می‌شود (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۳۴ و ۱۳۷) ازاین‌رو نمی‌توان حکم به استحباب احتیاط در همه امور داد (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۳۷) بنابراین احتیاط تا زمانی نیکو خواهد بود که موجب عسر، حرج، اختلال نظام، وسواس و ترک امور مطلوب شرعی نشود (ر.ک: موسوی‌خمینی، ۱۴۲۳ق، ص. ۴۱۷؛ روحانی، ۱۳۸۲، ص. ۴۷۳؛ سبحانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۱۱۴؛ تبریزی، بی‌تا، ص. ۱۰۸)؛ اما

احتیاط در برخی از امور مهم از نظر شارع مقدس مانند جان، اموال، نوامیس و آبرو در هر حال نیکو بوده (ر.ک: خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص. ۳۵۴؛ صافی، ۱۴۲۸ق، ص. ۹۰) و واجب است. (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، صص. ۱۳۷-۱۳۸؛ قمی، ۱۳۷۱، ص. ۶۷).

مقصود از قاعده احتیاط در اموال این است که مال هر انسانی دارای احترام، ارزش و حرمت بوده و هیچ کس بدون مجوز شرعی قطعی حق تعرض به اموال دیگران را ندارد و تنها براساس دلیل قطعی بر جواز می توان متعرض آن شد و در صورت شک در حلیت آن نمی توان متعرض آن شد (ر.ک: لنگرودی، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۴؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۴).

احتیاط در مانند اموال نزد فقهاء به احتیاط شرعی معروف است (عراقی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷۸) زیرا شرع در خصوص امور مهمی مانند جان، اموال، آبرو و نوامیس به صورت ویژه تصریح کرده و درباره آنها توصیه به احتیاط کرده است. شبهه در جایی که باید احتیاط انجام گیرد در مقام حقیقت قرار می گیرد (ر.ک: حلی، ۱۴۱۲ق، ص. ۶۶). اراده شارع بر این تعلق گرفته که حکم تکلیفی واقعی در این امور حتی در صورت شک نیز حفظ شود (ر.ک: حلی، ۱۴۳۲ق، ص. ۳۱۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۷ق، ص. ۹۸) بر همین اساس برخی از فقهاء (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص. ۶۲۷) ابراز کرده اند که احتیاط در این امور با جعل تأسیسی شارع است؛ ولی در امور دیگر با امضای حکم عقل است.

به نظر می رسد این نکته صحیح نباشد، زیرا گرچه شرع به برخی امور به صورت ویژه تصریح کرده تا درباره آنها احتیاط شود؛ ولی این بدان معنا نیست که قبل از آن عقل به احتیاط درباره آنها حکم نکرده باشد و بنای عقلاء نیز بر آن نباشد. بنابراین حکم شرع در این امور خاص به دلیل تأکید ویژه بر حکم عقل و بنای عقلاء است. بر این اساس حکم مولوی و جعل تأسیسی در این امور نیز وجود ندارد و فقط ارشاد به حکم عقل و امضای بنای عقلاء است. بر همین اساس احتیاط در اینجا از باب احتیاط عقلی است که به معنای نیکو بودن مؤاخذه بر مخالفت از نگاه عقل است (ر.ک: جزایری، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۰۱).

۲. قاعده فقهی بودن احتیاط در اموال دیگران

قواعد فقه یا فقهی گزاره‌ها و قضایایی هستند که شامل حکم فقهی کلی بوده و همه یا بیشتر باب‌های فقه را پوشش داده و قابلیت تطبیق بر موارد جزئی را دارند (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ص. ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۱؛ زامل، ۱۴۲۲ق، ص. ۱۲؛ سدلان، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۳).

قاعده احتیاط در اموال نیز همین‌گونه است؛ چراکه گزاره‌ای است که در آن لزوم احتیاط در اموال بر موارد شک در حلیت و اباحه آن‌ها حمل شده و در برخی از ابواب فقه جریان داشته و قابلیت انطباق بر مصادیق جزئی فراوانی را دارد. پس این یک قاعده فقهی است.

۳. مستندات قاعده احتیاط در اموال دیگران

قاعده احتیاط در اموال دیگران بر ادله فراوان نقلی و عقلی استوار است که در ذیل برخی از مهم‌ترین آن‌ها تحلیل و بررسی می‌شود.

۳-۱. آیه نهی از اکل مال به باطل

قرآن کریم در آیه‌هایی^۱ انسان را از تصرف در اموال دیگران نهی کرده است. از این آیات به دست می‌آید که اصل در تصرف در اموال دیگران بر حرمت است (ر.ک: ترحینی، ۱۴۲۷ق، ص. ۳۶۲؛ سبحانی، ۱۴۳۰ق، ص. ۱۳۲).

مستثنی‌منه در آیه ۱۸۸ سوره بقره، اکل یا مال یا باطل نیست؛ بلکه «بشیء من الأسباب» است که محذوف بوده و علتش جای آن قرار گرفته است. بنابراین معنای آیه عبارت است از: «لاتأکلوا أموالکم بینکم بشیء من الأسباب فإنها باطله إلا أن یكون ذلک السبب تجارة عن تراض» (ر.ک: خویی، ۱۴۲۰ق، ص. ۸۰؛ تبریزی، ۱۴۱۶ق، ص. ۳۰۲) یعنی «اموال خودتان را بین خودتان با سببی از اسباب نخورید، مگر اینکه آن سبب تجارت از روی تراضی باشد». پس تنها یک مورد از حرمت تصرف استثناء زده شده و آن تجارت از روی تراضی است. بنابراین تنها در صورت وجود تراضی، تصرف در مال دیگران حلال خواهد بود (ر.ک: مؤمن، ۱۴۲۵ق، ص. ۴۵۵).

۳-۲. اجماع

از ظاهر نظرات و کلمات فقهاء برداشت می‌شود که همه آنان بر اصالت احتیاط در اموال تسالم و اتفاق نظر دارند. برخی (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۱) ادعای اجماع کل بر وجوب احتیاط در شبهات موضوعی در دماء، اعراض و اموال کرده‌اند. بعضی (سبزواری، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۵۰) نیز ادعای اطلاق فقهاء بر جریان قاعده احتیاط در اعراض، اموال و دماء کردند.

این اتفاق نظر و اجماع به جهت وجود ادله فراوان دیگر در مسأله است و اجماع اصطلاحی کاشف از رأی معصوم نیست. بنابراین حجیت نداشته و دلیل مستقل در مسأله به شمار نمی‌رود و تنها به عنوان مؤید قابل پذیرش است.

اضافه بر اینکه برخی مانند سبزواری در رساله مقدمه واجب، احتیاط در نفوس و اعراض را پذیرفته و احتیاط در اموال را رد کرده است (ر.ک: تبریزی، ۱۳۹۷ق، ص. ۳۴۲)

۳-۳. حکم مستقل عقل

عقل مستقل به حسن احتیاط در هر صورت است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۳۹؛ فاضل، ۱۴۳۰ق، ص. ۲۸۳). عقل در امور مهم مانند اموال انسان‌ها نیز حکم به حسن احتیاط (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱، ص. ۶۰) و وجوب احتیاط کامل می‌کند.

عقل حکم به قبح ظلم می‌کند. همچنین در آنچه احتمال ظلم واقعی در آن می‌رود حکم به قبح می‌کند تا از ارتکاب ظلم واقعی پرهیز شود. از این رو اصل در مثل جان، ناموس و اموال دیگران لزوم اجتناب است (ر.ک: حلی، ۱۴۳۲ق، ص. ۱۳۳).

عقل از اعتماد به ظن در امور مهمی مانند جان، ناموس، آبرو، انساب و اموال دیگران منع می‌کند (ر.ک: وحید، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۳۶؛ مجاهد، ۱۴۱۵ق، ص. ۴۵۹). از این رو در این موارد تنها به علم باید تکیه کرد و در غیر این صورت باید جوانب احتیاط را رعایت کرد.

۳-۴. بنای عقلای جهان

همه عقلای جهان - اعم از متشرع و نامتشرع - در همه اعصار و امصار در امور مهم مانند اموال دیگران حکم به حسن احتیاط کرده (ر.ک: کاشف الغطاء، ۱۳۸۱، ص. ۶۰) و در مقام عمل نیز احتیاط کامل را رعایت می‌کنند و تا دلیل قطعی بر اباحه آن اقامه نشود اقدامی انجام نمی‌دهند (ر.ک: خوانساری، ۱۴۰۵، ص. ۳۵).

اصالت احتیاط در اموال دیگران از مهم‌ترین اصول نظامی عقلانی است. شارع از عقلاء بلکه رئیس عقلاء است و در هیچ منبع معتبری منعی از سوی وی نسبت به این سیره مشاهده نشده است. بنابراین آن را تأیید کرده است (ر.ک: کمپانی، ۱۴۱۴، صص. ۲۴۹-۲۵۰).

۳-۵. اهتمام ویژه شریعت به اموال دیگران

یک سری از امور وجود دارد که راهبردهای کلان شریعت به حساب می‌آیند و انسان یقین دارد که این امور خط قرمز شریعت به‌شمار می‌روند و شارع هیچ‌وقت راضی نیست که مورد بی‌توجهی قرار گیرند. از این امور با عنوان‌های مقاصد شریعت (زحیلی، ۱۴۰۶، ص. ۱۰۱۷؛ شلبی، ۱۴۰۶، ص. ۵۱۲؛ علوانی، ۱۴۲۱، ص. ۱۲۷)، مقاصد فقه (مهریزی، ۱۴۲۳، ص. ۱۴)، اغراض شریعت (خادمی، ۱۴۲۱، ص. ۱۵)، روح شریعت، اهداف دین، اهداف فقه (مهریزی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸؛ مهریزی، ۱۴۲۳، ص. ۱۴)، اسرار شریعت (خادمی، ۱۴۲۱، ص. ۱۵)، غایات فقه (مهریزی، ۱۴۲۳، ص. ۱۴)، فلسفه شریعت، روح کلی فقه، مذاق شرع (نجفی، ۱۴۰۴، ص. ۱۵۰ و ۳۲۹)، مذاق شریعت (عاملی، بی‌تا، ص. ۹۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ص. ۴۰۵؛ علی‌شاهی، ۱۳۹۰، ص. ۴۰)، مذاق قواعد شریعت (نجفی، ۱۴۰۴، ص. ۳۲۱)، نوامیس شریعت (کاشف الغطاء، ۱۴۲۶، ص. ۱۱۶) و... تعبیر می‌شود.

شارع اهتمام ویژه‌ای به حفظ اموال انسان‌ها داشته و حفظ اموال از مهم‌ترین مقاصد شریعت است (سیوری، ۱۴۰۴، ص. ۱۵؛ عاملی، بی‌تا، ص. ۲؛ خادمی، ۱۴۲۱، صص. ۷۹-۹۲). بر این اساس احتیاط در اموال انسان‌ها امر بسیار مطلوبی در نزد شرع بوده و

در صورت شک در امور مرتبط با آنها باید احتیاط کرد و تا زمان اقامه دلیل قطعی برخلاف آن نمی‌توان متعرض اموال انسان‌ها شد.

حرمت تصرف در اموال دیگران از ضروریات فقه و دین اسلام است (ر.ک: مؤمن، ۱۴۲۵ق، ص. ۴۵۵). تصرف در اموال دیگران سبب ضایع کردن حقوق دیگران شده و حقوق آنان را بر رعایت‌نکننده ایجاد می‌کند. حقوق مردم از اهمیت خاصی در نزد شارع برخوردار است (صدوق، ۱۴۰۳ق، ص. ۳۲۸) و تباہ کردن حقوق آنان از گناهان و محرمات بزرگ است (موسوی، ۱۴۱۴ق، ص. ۲۴۲) و بخشش آنها تنها توسط مردم امکان دارد.

کلام فقیهان گواهی صادق بر اهتمام خاص شریعت به اموال انسان‌ها، احترام اموال آنان و اصالت حرمت تصرف در اموال دیگران است. در ذیل برخی از این سخنان بیان می‌شود. شیرازی (۱۴۲۶ق) اموال را از امور خطیر برشمرده که خطا در آن بخشیده نمی‌شود (شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص. ۲۷۱). روحانی (۱۴۱۲ق) بیان داشته اسلام به شدت زیاد، تعدی بر اموال مردم را حرام کرده و آن را به منزله تعدی بر دماء و اعراض دانسته و فقهاء تحفظ و احتیاط در اموال را واجب کرده و تصرف در مال را جز با علم به اذن شرعی حرام دانستند (روحانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۴). سبحانی (۱۴۳۰ق) بیان داشته قول فقهاء و اصولیان به اینکه اصل در اشیاء حلیت است شامل دماء، اعراض، فروج و اموال نمی‌شود، زیرا اصل در آنها حرمت است (سبحانی، ۱۴۳۰ق، ص. ۱۳۱). برخی از فقهاء (انصاری، ۱۴۲۰ق، ص. ۷۶) امور مهمی را که دانسته شده شارع اهتمام به آنها داشته و راضی به صدور آنها حتی از غیرمکلفان نیست مانند نفوس، اعراض، فروج و اموال خطیر از قاعده عدم وجوب اعلام جاهل استثناء زده‌اند (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۱۰).

۳-۶. قاعده احترام

قاعده احترام از قواعد فقهی اصطیادی معروف است که براساس آن جان، مال، منافع، عمل و آبروی انسان ارزش و احترام داشته و نباید مورد تعرض قرار گیرند (ر.ک: هوشمند، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۰).

برای اثبات این قاعده به ادله مختلفی تمسک می‌شود که مهم‌ترین آنها بیان می‌شود.

۱. قرآن کریم (بقره: ۱۸۸):^۲ از خوردن مال دیگران به ناحق نهی کرده است. ذکر خوردن در این آیه از باب مجاز بوده و شامل گرفتن مال دیگری و مطلق تصرف در آن می‌شود، زیرا خوردن اولین، نزدیک‌ترین و طبیعی‌ترین عمل انسان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ص. ۵۰۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، صص. ۳-۴).
۲. قرآن کریم (احزاب: ۵۸):^۳ اذیت ناحق نسبت به مؤمنان و مؤمنات را بُهتان و گناه روشن برشمرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص. ۴۲۳) تعدی به مال، جان و آبروی مؤمنان و مؤمنات اذیت و آزار آنان به حساب می‌آید و براساس این آیه، گناه و حرام خواهد بود.
۳. پیامبر اعظم آبرو، مال و خون مؤمن را حرام دانست (اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص. ۷۲)^۴ بر این اساس آبرو، مال و خون مؤمن احترام دارند. در این کلام به صراحت بر احترام و حرمت مال مؤمن تأکید شده است.
۴. پیامبر اکرم خون و مال مسلمان بر مسلمان دیگر را مانند حرمت شهر مکه و ماه ذی‌الحجه برشمرد (طبری، ۱۳۸۳، صص. ۲۱۶-۲۱۷)^۵ این تشبیه نشان از شدت احترام جان و مال مسلمانان در نزد شرع مقدس دارد.
۵. رسول اکرم خوردن مال مؤمن را معصیت و حرمت مالش را مانند حرمت خویش دانسته است (اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ص. ۲۹۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۶۰؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۷۷، ۴۱۸ و ۵۶۹؛ مالکی، ۱۴۱۰ق، ص. ۶۵ و ۲۰۹)^۶ بنابراین مال و خون مؤمن احترام و حرمت دارند و تعدی به آن‌ها حرام است.
۶. بنای عقلای جهان بر احترام جان، مال و آبروی انسان است (سبزواری، ۱۳۸۸، ص. ۴۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص. ۲۱۸) شارع از عقلاء بلکه رئیس عقلاء بوده و عدم ردع او از این سیره دلیل بر تأیید آن از سوی شارع است (کمپانی، ۱۴۱۴ق، صص. ۲۴۹-۲۵۰).
۷. سیره متشرعان از گذشته تاکنون بر احترام امور مهمی مانند جان و مال انسان‌ها منعقد شده (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۲؛ مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۵) و شارع از آن منعی نداشته و این تأییدی شرعی بر این سیره است.

۸. فقهاء بر احترام امور مهمی مانند جان و مال انسان اتفاق نظر دارند (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۵) این تسالم به جهت وجود ادله دیگر در مسأله است که حکایت از استناد آن به سایر ادله دارد. بنابراین دلیل مستقل نبوده و به عنوان مؤید قابل قبول است.

۹. مسلمانان اجماع بر احترام امور مهمی مانند جان و اموال انسان‌ها دارند (ر.ک: بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ص. ۷۹) این اجماع به ادله مختلف دیگر در مسأله مستند است. از این رو حجیت نداشته و تنها به عنوان مؤید قابل پذیرش است.

۱۰. از ضروریات دین اسلام احترام امور مهمی مانند جان، اموال و آبروی انسان‌ها است (ر.ک: بحرالعلوم، ۱۴۰۳، ۷۹/۱)، به طوری که برای هیچ مسلمانی قابل انکار نیست.

در قلمرو قاعده احترام اختلاف نظر است. برخی آن را مختص به مال، منافع و عمل دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۲؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ص. ۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص. ۲۱۸؛ مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۴) ولی برخی دیگر آن را به جان، نوامیس و آبرو نیز سرایت دادند (هوشمند، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۰؛ حکیمیان، ۱۳۹۱، ص. ۴۰).

بر اساس این قاعده فقهی جان، آبرو، نوامیس، اموال و منافع اعضای جامعه احترام و ارزش دارد و نمی‌توان بدون مجوز شرعی قطعی نسبت به آن‌ها تعرض کرد.

۳-۷. سیره متشرعان

مردم متشرع از گذشته تاکنون در امور مهم مانند اموال انسان‌های دیگر حکم به حسن احتیاط کرده (ر.ک: کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱، ص. ۶۰) و در مقام عمل نیز احتیاط کامل را رعایت می‌کنند و تا دلیل قطعی بر اباحه آن اقامه نشود اقدامی انجام نمی‌دهند (ر.ک: خوانساری، ۱۴۰۵ق، ص. ۳۵). بنای شیعه نیز بر احتیاط در اموال دیگران بوده است (ر.ک: اشتهازدی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۱). هیچ دلیل معتبری نیز یافت نشده که در آن شرع از این سیره متشرعه منع کرده باشد. بنابراین از سوی پیشوایان شریعت که خودشان از ممتازین متشرعان بوده‌اند تأیید و امضاء شده و حجیت دارد.

۳-۸. اصل احتیاط

اصل احتیاط از اصول عقلی به شمار می‌رود (ر.ک: اراکی، ۱۳۷۵، ص. ۳۹۳؛ مشکینی، ۱۴۰۹ق، ص. ۵۹). مناط رجوع به اصل احتیاط نیز این است که علم به اشتغال ذمه انسان وجود داشته باشد و شک در حصول امثال و فراغ از عامل اشتغال باشد (نجم‌آبادی، ۱۳۸۰، ص. ۶۰۲).

برخی از فقهای اسلامی مانند شهید صدر، اصل اولی در شبهات را احتیاط ذکر کرده‌اند (صدر، ۱۴۳۱، ص. ۲۹/۵؛ صدر، ۱۴۲۳ق، ص. ۶۶). در صورت شک در ادله ذکر شده برای امور مهمی مانند اموال نوبت به مراجعه به اصول عملی می‌رسد و اصل در مانند اموال بر احتیاط است. این اصل یک اصل عقلی است. یعنی قبل از حکم شرع بدان عقل به آن حکم کرده است.

۳-۹. سیره شارع مقدس

از سیره شارع دانسته شده که عنایت خاصی به برخی از امور مهم مانند جان، اموال، آبرو و نوامیس دارد و در آنها احتیاط می‌کند (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۹ق، ص. ۴۶۹) این سیره برای متدینان نیز حجیت داشته و باید در این زمینه از شارع پیروی کنند.

۳-۱۰. تعلیق حکم جواز تصرف در اموال دیگران بر امر وجودی

در ادله مربوط به اموال دیگران، حکم جواز تصرف بر امر وجودی تعلیق یافته و در صورت شک در جواز تصرف در شبهه محصور و نامحصور باید به مقتضای عموم عمل کرد نه از جهت تمسک به عموم در شبهه مصداقی؛ بلکه به جهت استفاده شرطیت جواز تصرف به امر وجودی مثل حلیت مال، همچنان‌که در حدیثی از امام رضا^۷ (کلبینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۴۸؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۸۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ص. ۱۳۹؛ طوسی، ۱۳۹۰، ص. ۵۹) ذکر شده و مثل رضایت مالک، همچنان‌که در حدیثی از امام صادق^۸ (کلبینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۷۳ و ۲۷۵؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ص. ۹۳) ذکر شده است. بنابراین تخصیص در اینجا از قبیل تنويع نیست تا از موارد اصالت برائت باشد؛ بلکه از قبیل مقتضای و مانع است. در صورت شک در حصول معلق علیه، بنای بر نقیض آن حکم معلق گذاشته می‌شود. بر همین اساس تصرف جایز نخواهد بود (لنگرودی، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۴).

۴. ارشادی بودن قاعده احتیاط در اموال دیگران

مراد از احکام ارشادی احکامی است که عقل به طور مستقل بدان حکم می‌کند، مانند حسن عدل، احسان و صدق و قبح ظلم، فساد و کذب (ر.ک: اسدی، ۱۳۸۳، ص. ۴۵؛ گرجی، ۱۳۸۵، ص. ۲۴؛ مشکینی، ۱۴۰۹ق، ص. ۷۵).

در مقابل احکام ارشادی احکام مولوی قرار دارد که منظور از آن احکامی است که عقل به طور مستقل بدان حکم نکرده و شارع با استفاده از جایگاه مولویت خودش بدان حکم می‌کند (ر.ک: شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۱۷؛ مظفر، ۱۳۷۵، ص. ۲۳۷؛ میلانی، ۱۴۲۸ق، ص. ۱۰۶).

دلیل اصلی بر احتیاط به طور عام (ر.ک: نائینی، ۱۳۵۲، ص. ۲۰۲؛ اسدی، ۱۳۸۳، ص. ۴۵) و احتیاط در اموال به طور خاص حکم مستقل عقل است. بنابراین همه ادله نقلی وارد شده درباره قاعده احتیاط در اموال -از جمله آیه نهی از اکل مال به باطل، اجماع، اهتمام ویژه شریعت، سیره متشرعان، سیره شارع و...- از باب ارشاد بوده و حکم مولوی در آن‌ها از سوی شرع وجود ندارد.

۵. امضایی بودن قاعده احتیاط در اموال دیگران

مقصود از احکام امضایی احکامی هستند که قبل از شرع بدان عمل می‌شده و شرع مقدس نیز آن را تأیید کرده است، مانند برخی از احکام معاملات.

در برابر احکام امضایی احکام تأسیسی وجود دارد. مراد از احکام تأسیسی و ایجاد احکامی هستند که به صورت جداگانه و ابتدا به ساکن توسط شرع ایجاد و تأسیس شده و قبل از آن سابقه نداشته است مانند وجوب نماز عید فطر، نماز عید قربان، نماز جمعه، وضو، غسل و... .

عقلای جهان قبل از ورود شرع نسبت به اموال دیگران حساسیت داشته و احتیاط را رعایت کرده و همگان را بدان توصیه می‌کرده و می‌کنند و عدم رعایت نسبت به آن را مذمت کرده و اشخاصی که آن را رعایت نمی‌کنند توبیخ می‌کنند. از این رو حکم شرع به احتیاط در اموال از احکام امضایی بوده و شارع عمل عقلای جهان را تأیید و امضاء کرده است.

۶. قلمرو قاعده احتیاط در اموال دیگران

۱-۶. جریان قاعده احتیاط در اموال دیگران در شبهه‌های حکمی

در شبهه‌های حکمی تحریمی بدوی میان اصولیان و اخباریان اختلاف نظر است. اخباریان باور به جریان اصالت احتیاط و اصولیان عقیده بر جریان اصالت براءت دارند (ر.ک: وحید، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۴۰؛ انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۰) ولی همه با اتفاق نظر درباره اموال دیگران حکم به وجوب احتیاط داده‌اند. در اینجا تکلیف محتمل برفرض وجودش منجز است. (ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص. ۱۸۶)

در شبهه‌های حکمی وجوبی بدوی هم اصولیان و هم اخباریان - به استثنای محدث محمدامین استرآبادی - حکم به جریان اصالت براءت داده‌اند (وحید، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۴۰؛ خوبی، ۱۴۲۰ق، ص. ۲۵۲؛ محمدی، ۱۴۳۰ق، ص. ۱۹۵؛ مدنی، ۱۴۲۹ق، ص. ۳۶۱)؛ ولی درباره امور مهمی مانند جان، اموال، نوامیس و آبروی دیگران با اتفاق نظر حکم به وجوب احتیاط داده‌اند.

اخباریان در شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از فقدان دلیل، قول به وجوب احتیاط را انتخاب کرده‌اند و اصولیان حکم به اصالت براءت و عدم وجوب احتیاط داده‌اند (ر.ک: نائینی، ۱۳۵۲، ص. ۱۶۵؛ جزایری، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۰۱) ولی همه در امور مهم مانند جان، آبرو، ناموس و اموال دیگران حکم به وجوب احتیاط داده‌اند.

حکم شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از اجمال ادله همانند حکم شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از فقدان دلیل است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۱۴) همچنان‌که حکم شبهه‌های حکمی تحریمی ناشی از تعارض ادله نیز همین‌گونه است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۱۵).

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از فقدان دلیل هم اخباریان و هم اصولیان حکم به اصالت براءت و عدم وجوب احتیاط داده‌اند (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۴۲؛ جابلقی، بی تا، ص. ۳۱۸) ولی همه در امور مهم مانند جان، ناموس، اموال و آبروی دیگران حکم به وجوب احتیاط داده‌اند.

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از اجمال ادله، معروف (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۶۲) عدم وجوب احتیاط است. برخی از اخباری‌ها مانند استرآبادی (۱۴۲۶ق) و بحرانی (۱۴۰۵ق) حکم به وجوب توقف و احتیاط داده‌اند.

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از تعارض ادله نیز معروف (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۶۵) عدم وجوب احتیاط است. بعضی از اخباریان مانند استرآبادی (۱۴۲۶ق) و بحرانی (۱۴۰۵ق) حکم به وجوب توقف و احتیاط کردند.

در شبهه‌های حکمی وجوبی ناشی از اشتباه مصداق، حکم به برائت و عدم وجوب احتیاط داده شده (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۶۹) که شامل امور مهمی مانند اموال دیگران نمی‌شود.

اخباریان و اصولیان در شبهه‌های حکمی ناشی از علم اجمالی حکم به وجوب احتیاط داده‌اند که این احتیاط عقلی بوده و شرعی نیست (ر.ک: جزایری، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۰۱).

در شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به جهت فقدان دلیل حکم به احتیاط داده شده (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۸۵) که شامل امور مهمی مانند اموال دیگران نیز می‌شود. حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به جهت اجمال ادله همانند حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به جهت فقدان دلیل است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۹۰).

در شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به جهت تعارض ادله حکم به تخییر داده شده (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۹۱)، ولی برخی مانند ابوموسی عیسی بن أبان حنفی و جبائی معتزلی (ر.ک: حلی، ۱۴۲۵ق، ص. ۳۲۴؛ آمدی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۹؛ رازی، ۱۴۱۸ق، ص. ۴۳۹). قول به تساوی و تساقط را انتخاب کردند و برخی مانند کرخی حنفی (ر.ک: حلی، ۱۴۲۵ق، ص. ۳۲۴؛ رازی، ۱۴۱۸ق، ص. ۴۳۹) و آمدی اشعری (آمدی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۹) اخذ به دلیل نهی را ترجیح دادند.

حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به جهت اشتباه مصداق همانند حکم شبهه‌های حکمی دائر میان محذورین به جهت فقدان دلیل است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۹۳).

بررسی: از مجموع نظرات فقهای اسلامی در این اقسام و فرض‌های مختلف برداشت می‌شود که بنای اصلی آنان در اموال دیگران در همه فرض‌های شبهه‌های حکمی بر احتیاط است، مگر آنکه دلیل خاصی بر عدم احتیاط وجود داشته باشد.

۲-۶. جریان قاعده احتیاط در اموال دیگران در شبهه‌های موضوعی

اصولیان و اخباریان در شبهه‌های موضوعی بدوی قبل از فحص اتفاق نظر بر وجوب احتیاط دارند (ر.ک: سبزواری، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۷۶) و در شبهه‌های موضوعی بدوی بعد از فحص اتفاق نظر بر جریان اصالت براءت و عدم وجوب احتیاط دارند (ر.ک: وحید، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۴۰؛ محمدی، ۱۴۳۰ق، ص. ۱۹۵) و حتی ادعای اجماع بر آن شده است (حسینی، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۶) ولی درباره اموال حکم به وجوب احتیاط داده‌اند؛ زیرا حکم در آن‌ها - که حلیت مال باشد - بر امری وجودی - که طیب نفس باشد - تعلیق یافته است (آشتیانی، بی تا، ص. ۴۰).

اخباریان با وجود اینکه در شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان دلیل، احتیاط را واجب می‌دانند (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۰) در شبهه‌های موضوعی اصالت براءت را جاری می‌سازند (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۸۵) و از شبهه‌های موضوعی تحریمی امور مهم مانند جان، ناموس، آبرو و اموال دیگران را استثنا کرده‌اند؛ زیرا اصالت حلیت در آن‌ها به دلایل گوناگون - از جمله تعلیق حکم در این موارد بر امور وجودی؛ تمسک به عام در شبهات مصداقی؛ قاعده مقتضی و مانع - به اصالت احتیاط تبدیل می‌شود (حسینی، ۱۳۸۵، صص. ۲۵۶-۲۵۷) اصولیان نیز در شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان دلیل قائل به جریان اصالت براءت هستند (ر.ک: نائینی، ۱۳۵۲، ص. ۱۶۵) ولی درباره امور مهم مانند جان، اموال، نوامیس و آبروی دیگران اصالت احتیاط را جاری می‌سازند (ر.ک: آشتیانی، بی تا، ص. ۴۰).

حکم شبهه‌های موضوعی تحریمی ناشی از اجمال ادله نیز همانند حکم شبهه‌های تحریمی ناشی از فقدان دلیل است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۱۱۴). همچنان‌که حکم شبهه‌های موضوعی وجوبی ناشی از اجمال ادله نیز همین‌گونه است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۹۵).

مشهور در شبهه‌های موضوعی وجوبی ناشی از تعارض ادله تخییر است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۹۸) و فرض بر این است که هیچ‌کدام موافق با احتیاط نیستند، در غیراین صورت احتیاط مطلوب است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۹۸).

در شبهه‌های موضوعی وجوبی قبل از فحص احتیاط واجب نیست. دلیل آن نیز اطلاق ادله اصول است، مگر اینکه امتثال تکلیف به‌طور غالب متوقف بر فحص از موضوع باشد؛ مانند فحص از اشمال مال زکوی بر نصاب و فحص از این که مال به قدر استطاعت برای حج باشد (حسینی، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۷). امور مهم مانند جان، ناموس، آبرو و مال در اینجا استثنا زده شده و احتیاط در آن‌ها واجب است (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص. ۶۲۷؛ بجنوردی، ۱۳۸۰، ص. ۳۹؛ بهجت، ۱۴۲۴ق، ص. ۲۸۰) زیرا شارع اهتمام ویژه‌ای به حفظ آن‌ها دارد (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹، ۳۳۵/۴) و این اهتمام مانع از ترخیص در ورود به شبهات آن‌ها می‌شود (اراکی، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۳۵).

اصولیان و اخباریان در شبهه‌های موضوعی ناشی از علم اجمالی حکم به وجوب احتیاط داده‌اند (ر.ک: رشتی، بی تا، ص. ۳۰۲) که این احتیاط عقلی بوده و شرعی نیست (ر.ک: جزایری، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۰۱).

در شبهه‌های موضوعی وجوبی ناشی از اشتباه مصداق حکم به وجوب احتیاط داده شده (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۹۹) و گفته شده که این وجوب از نوع وجوب عقلی است؛ زیرا عقل از باب وجوب دفع عقاب محتمل حکم مستقل به احتیاط می‌کند (انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۳۰۵).

در شبهه‌های موضوعی تحریمی مصداقی محصور، مشهور (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۱۰) این است که احتیاط در آن‌ها واجب است؛ بلکه ادعای عدم خلاف (تونی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۹۱) بر آن شده است. هرچند در اینجا اشخاصی مانند عاملی (۱۴۱۱ق) و قمی (۱۴۳۰ق) حکم به عدم وجوب احتیاط دادند و برخی مانند سبزواری (۱۲۴۷ق) در وجوب احتیاط تأمل کردند؛ ولی همه در امور مهم مانند اموال دیگران قائل به وجوب احتیاط هستند.

در شبهه‌های موضوعی تحریمی مصداقی نامحصور، معروف (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۵۷) عدم وجوب احتیاط بوده و حتی ادعای اتفاق (کرکی، ۱۴۱۴ق، ص.

۱۶۶)، اجماع (عاملی، ۱۴۰۲ق، ص. ۵۹۹؛ وحید، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۴۷) ضرورت (انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۵۷) و سیره مسلمانان (وحید، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۴۷) بر آن شده است؛ ولی حکم به عدم جواز ارتکاب همه موارد داده شده تا مخالفت قطعی با واقع انجام نگیرد. (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۶۶) این حکم به عدم احتیاط شامل امور مهمی مانند اموال دیگران نمی‌شود.

در شبهه‌های موضوعی ناشی از دوران میان محذورین حکم به وجوب انجام یکی و ترک دیگری به صورت اختیاری داده شده، زیرا موافقت احتمالی در هر دو مورد از موافقت قطعی در یکی با مخالفت قطعی در دیگری اولویت دارد؛ چراکه احتیاط برای دفع ضرر محتمل با ارتکاب ضرر مقطوع نیکو نیست (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۹ق، ص. ۴۰۳).
بررسی: از دیدگاه فقهاء در کل این فرض‌ها و اقسام گوناگون برداشت می‌شود که بنای آنان بر احتیاط در اموال دیگران در همه اقسام شبهات موضوعی است، مگر اینکه دلیل خاصی بر عدم وجوب احتیاط اقامه شود.

۳-۶. جریان قاعده احتیاط در اموال نسبت به کافران

احتیاط در اموال دیگران در قاعده احتیاط در اموال اختصاص به مسلمانان ندارد و شامل کافران غیرحربی نیز می‌شود، زیرا مناط در این احتیاط احتمال حفظ اموال دیگران در جای خودش است و پرواضح است که منشأ این احتمال مختص به اسلام نیست. بنابراین هرجایی که این احتمال وجود داشته باشد، این قاعده نیز جریان خواهد یافت.
این مطلب اختصاص به فقط اموال کافران غیرحربی ندارد و شامل امور مهم دیگر آنان مانند جان، آبرو و نوامیس نیز می‌شود. همچنان که آیت‌الله حسینی خامنه‌ای (۱۴۱۷ق؛ ۱۴۱۸ق) احتیاط در جان را مختص به مسلمانان ندانسته و بر آن استدلال آورده که مناط در این احتیاط احتمال حفظ جان است و منشأ این احتمال اختصاص به اسلام ندارد. بنابراین هرجایی که این احتمال باشد، قاعده فقهی احتیاط در جان جاری می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۹).

کافران اهل ذمه دارای احترام بوده و جان، آبرو، ناموس و اموال آنان دارای احترام است (ر.ک: سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۹۰) بنابراین حکم اموال آنان حکم اموال مسلمانان را دارا بوده و احتیاط در آن جریان دارد.

احتیاط در اموال دیگران در قاعده احتیاط در اموال شامل کافران حربی نمی‌شود، زیرا فقهاء مال کافران حربی را محترم ندانسته‌اند (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۲۴؛ شراره، ۱۳۹۵، ص. ۷۸) و تملک مال آن‌ها را جایز شمرده‌اند. (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۲۴) فقهاء همچنین تصریح کرده‌اند که اموال کافران حربی فیء برای مسلمانان بوده و با استیلاء تملک می‌شود. (سند، ۱۴۲۸ق، ص. ۳۷۲) حتی شیخ محمد صدوق نوشت: «اصل حکم در اموال مشرکان این است که فیء برای مسلمانان است و مسلمانان بر آن‌ها از مشرکان شایسته‌تر هستند.»^۹ (صدوق، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۳۴).

۶-۴. اختصاص قاعده احتیاط در اموال دیگران به اموال کثیر

برخی از فقهاء (انصاری، ۱۴۲۰ق، ص. ۷۶) اموال در قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران را به اموال خطیر و برخی دیگر از فقهاء (شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۹۹؛ شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص. ۱۱۷) آن را به اموال کثیر تخصیص زده‌اند.

علت این تخصیص آن است که ادله قاعده احتیاط در اموال دیگران -مانند آیه نهی از اکل مال به باطل، اجماع، حکم عقل، بنای عقلاء، اهتمام ویژه شریعت، قاعده احترام، سیره متشرعان، اصل احتیاط و سیره شارع- انصراف به اموال کثیر دارد و شامل اموال اندک نمی‌شود.

۷. نسبت قاعده احتیاط در اموال دیگران با قاعده اصالت اباحه

قاعده اصالت اباحه که از آن با عنوان اصالت حلیت و حل نیز یاد می‌شود (ر.ک: مصطفوی، ۱۴۱۷ق، صص. ۱۲۳-۱۲۴) از قواعد فقهی مشهور است. برای قاعده اصالت اباحه به آیات قرآن کریم^{۱۰}، روایات معصومان^{۱۱} و تسالم فقیهان (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۲۴) استناد می‌شود.

در شبهه‌های وجوبی هم اخباریان و هم اصولیان اصالت اباحه را جاری می‌سازند، ولی در شبهه‌های تحریمی فقط اصولیان آن را جاری می‌سازند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص. ۳۶۸).

اصالت اباحه و حلیت درباره امور مهم مانند جان، اموال، ناموس و آبروی دیگران جریان نخواهد داشت، زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع برحسب طبیعت خویش محکوم به حلیت و اباحه باشد و در حرمت آن به جهت عروض عوارض خارجی شک شود؛ ولی اگر موضوع برحسب طبیعت خودش محکوم به حرمت باشد و حلیت امری عارضی بر آن باشد این اصل درباره آن جاری نمی‌شود. امور مهمی مانند جان، اموال، ناموس و آبروی دیگران در زمره همین موضوعات قرار دارند که اصل در آنها بر حرمت است. بنابراین اصالت اباحه و حلیت در آنها جاری نمی‌شود اگرچه شبهه در آنها بدوی باشد. (ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۴۲۵) از سوی دیگر اصالت اباحه در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح آن نداشته باشد (ر.ک: بهبهانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۷)، درحالی‌که عقل در امور مهم مانند اموال حکم به قبح اقدام در صورت عدم علم می‌کند (ر.ک: مجاهد، ۱۴۱۵ق، ص. ۴۵۹).

۸. تحلیل کاربردهای قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران

کاربردها و موارد انطباق قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران در امور مالی و معاملات اموال فراوان و گسترده است که برخی از مهم‌ترین آنها بیان می‌شود.

۱. اشخاص - اعم از حقیقی و حقوقی - در تعامل با اشخاص دیگر - اعم از حقیقی و حقوقی - باید نسبت به اموال خطیر آنان و در صورت شک مورد اعتنا، احتیاط کامل کرده و از تصرف در آنها - مانند استفاده شخصی کردن، تملک کردن، هبه کردن، وقف کردن و... - و همچنین دعوت کردن شخص سوم - اعم از حقیقی و حقوقی - به تصرف در اموال آنان بدون مجوز شرعی پرهیز کنند.

۲. اشخاص - اعم از حقیقی و حقوقی - در بازار باید مراقب باشند و در صورت شک مورد اعتنا در معامله‌های مربوط به اموال خطیر اشخاص دیگر - اعم از حقیقی و حقوقی - از ورود به آنها بدون مجوز شرعی پرهیز کنند.

۳. این قاعده فقهی مالی درباره اموال اشخاص کافر غیرحربی - اعم از حقیقی و حقوقی - جریان دارد و باید نسبت به اموال کافران غیرحربی نیز در صورت شک مورد اعتنا در آنها احتیاط کرد.
۴. این قاعده فقهی مالی درباره اموال اشخاص کافر حربی - اعم از حقیقی و حقوقی - جریان ندارد و نیازی به احتیاط درباره اموال آنان نیست.
۵. بحث احتیاط در اموال دیگران غیر از بحث حرمت تصرف در اموال دیگران در موارد مشخص از لحاظ شرعی است. در مواردی که شرع به صراحت تصرف در اموال دیگران را ممنوع دانسته حکم روشن و قطعی است و باید از تصرف در آنها پرهیز کرد.
۶. شک مورداعتنا در ممنوعیت به لحاظ قانونی - در صورت اعتبار قانون از لحاظ شرع - همانند شک مورداعتنا در حرمت به لحاظ شرعی است. بنابراین در صورت شک مورداعتنا در ممنوعیت قانونی در اموال خطیر دیگران نیز باید احتیاط را رعایت کرد.
۷. قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران در صورت شک مورداعتنا در حرمت تصرف در اموال آنان جریان دارد. بنابراین هر شکی را شامل نمی‌شود.
۸. قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران اختصاص به اموال خطیر دارد و شامل هر مالی نمی‌شود. معیار خطیر بودن اموال نیز عرف جامعه است. شرع نیز تابع عرف است.
۹. قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران اختصاص به اموال کثیر و زیاد دارد و شامل اموال اندک نمی‌شود.
۱۰. قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران در صورت لزوم عسر و حرج از اعمال آن -طبق قاعده نفی عسر و حرج- جریان ندارد.
۱۱. قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران در هم شبهه‌های موضوعی و هم شبهه‌های حکمی جریان دارد.
۱۲. شخص در این قاعده فقهی شامل هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی می‌شود. بنابراین باید در حتی اموال اشخاص حقوقی مانند سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها و... در موارد شک مورداعتنا احتیاط کرد. گاهی احتیاط در اموال اشخاص حقوقی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا اموال برخی از این اشخاص حقوقی متعلق به بیت‌المال و

عموم مردم است و تصرف شخصی غیرمجاز در آن‌ها پیامدهای منفی بزرگتر و بیشتری دارد.

۹. تحلیل کارکردهای قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران

قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران کارکردها و آثار مختلف و زیادی در امور مالی و معاملات اموال دارد که بعضی از مهم‌ترین آن‌ها ذکر می‌شود.

۱. اگر شخصی در اموالی که باید احتیاط شود احتیاط نکرده و تصرف کند و بعد روشن شود که تصرف او مجاز بوده کار حرامی انجام داده، ولی ضمانی برعهده او نیست. چنانچه معامله‌ای هم انجام داده باشد صحیح بوده و مال منتقل شده به او به ملکیت او در خواهد آمد، زیرا ملازمه‌ای میان حرمت تکلیفی و بطلان وضعی نیست و حرمت تکلیفی معامله باعث بطلان وضعی معامله نمی‌شود (ر.ک: خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۸۷).

۲. اگر شخصی در اموالی که باید احتیاط شود احتیاط نکرده و تصرف کند و بعد روشن شود که تصرف او نامجاز بوده کار حرامی انجام داده و ضامن بوده و باید از این ضمان خارج شود. چنانچه معامله‌ای هم انجام داده باشد در صورت تنفیذ مالک مال، آن معامله صحیح می‌شود و او مالک مال می‌شود و در صورت عدم تنفیذ مالک مال، او مالک مال نبوده و ضامن مال می‌شود (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۰ق، ص. ۱۸۰) از این رو در فرض بقای مال باید مال را به مالک مال برگرداند (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۰ق، ص. ۱۹۹) و در صورت تلف شدن مال، باید مثل آن مال را در صورت مثلی بودن (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۰ق، ص. ۲۰۹) و قیمت آن مال را در صورت قیمی بودن (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۰ق، ص. ۲۲۱) به مالک آن برگرداند. در فرض استفاده منافع مال نیز باید عوض آن‌ها را به مالک مال بدهد (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۰ق، ص. ۲۰۱)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌ها: قاعده فقهی اصالت احتیاط در اموال دیگران در صورت عدم علم به جواز تصرف از قواعد فقهی مهم و مشهور است که توسط فقهاء در بسیاری از مسائل جریان می‌یابد.

دلیل اصلی برای این قاعده فقهی حکم مستقل عقل بوده و ادله دیگر -از جمله آیه نهی از اکل مال به باطل، اجماع، اهتمام ویژه شرع، قاعده احترام، سیره متشرعان، اصل احتیاط و سیره شارع- به عنوان مؤید حکم عقل به شمار می‌روند. بنابراین حکم شرع در این باره از باب ارشاد به حکم مستقل عقل و امضای بنای عقلای جهان است و شرع جعل مستقلی در این زمینه ندارد.

این قاعده فقهی اختصاص به اموال خطیر و کثیر دارد و در هم شبهه‌های حکمی و هم شبهه‌های موضوعی و درباره هم مسلمانان و هم کافران غیرحربی جریان دارد؛ ولی درباره کافران حربی جریان ندارد؛ زیرا مال آنان احترامی ندارد.

اصالت اباحه درباره جان جریان نخواهد داشت، زیرا این اصل در جایی جریان دارد که موضوع برحسب طبیعت خویش محکوم به اباحه باشد و در حرمت آن به جهت عروض عوارض خارجی شک شود؛ ولی اگر موضوع برحسب طبیعت خودش محکوم به حرمت باشد و حلیت امری عارضی بر آن باشد این اصل درباره آن جاری نمی‌شود. اموال در زمره همین موضوعات است که اصل در آنها بر حرمت است. بنابراین اصالت اباحه در آن جاری نمی‌شود اگرچه شبهه در آنها بدوی باشد. از سوی دیگر اصالت اباحه در جایی جریان دارد که عقل استقلال به قبح آن نداشته باشد، درحالی که عقل حکم مستقل به قبح اقدام در اموال در صورت عدم علم می‌کند.

چنانچه شخصی در مالی که باید احتیاط شود تصرف کند، اگر بعد روشن شود که در واقع تصرف در آن جایز بوده، آن تصرف باز حرام است؛ ولی موجب ضمان شخص متصرف نمی‌شود. اگر بعد روشن شود که در واقع هم تصرف جایز نبوده، آن تصرف هم حرام بوده و هم موجب ضمان متصرف در صورت انتقال مال به او یا استیفایش از منافع مال نیز می‌شود.

پیشنهادها: به جهت گسترده و گوناگون بودن مسائل قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران، پیشنهاد می‌شود یک کتاب مستقل و یک پایان‌نامه حوزوی یا دانشگاهی درباره آن نگارش شود. همچنین پیشنهاد می‌شود این قاعده به صورت تطبیقی از نگاه دانش فقه اسلامی و دانش حقوق مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد و یک کتاب مستقل و یک پایان‌نامه حوزوی یا دانشگاهی پیرامون آن نوشته شود.

قاعده فقهی احتیاط در اموال دیگران فقط درباره احتیاط در اموال دیگران بحث می‌کند و از مباحث مشابه آن مانند احتیاط در جان دیگران، احتیاط در آبروی دیگران، احتیاط در نوامیس دیگران و... پرهیز می‌کند. برخی از این مباحث در بعضی از آثار علمی تحلیل و بررسی شدند، ولی هنوز بعضی از آن‌ها جای بررسی و نگارش اثر علمی مستقل -اعم از کتاب، پایان‌نامه، رساله و مقاله- را دارند.

یادداشت‌ها

۱. «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره، ۱۸۸)؛ «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (نساء: ۲۹).
۲. «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ».
۳. «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا».
۴. «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عَرَضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ».
۵. «إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا».
۶. «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ... وَأَكْلُ مَالِهِ مَعْصِيَةٌ وَحَرَمُهُ مَالِهِ كَحَرَمَةِ دَمِهِ»؛ «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فِسْقٌ... وَحَرَمُهُ مَالِهِ كَحَرَمَةِ دَمِهِ»؛ «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ... وَحَرَمُهُ مَالِهِ كَحَرَمَةِ دَمِهِ».
۷. «لَا يَحِلُّ مَالٌ إِلَّا مِنْ وَجْهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ».
۸. «لَا يَحِلُّ دَمٌ أَمْرِي مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَبِيبَةٍ نَفْسِهِ».
۹. «أَنَّ أَصْلَ الْحُكْمِ فِي أَمْوَالِ الْمُشْرِكِينَ أَنَّهَا فِيءٌ لِلْمُسْلِمِينَ وَأَنَّ الْمُسْلِمِينَ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ».
۱۰. «وَمَا لَكُمْ إِلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ» (انعام: ۱۱۹)؛ «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (انعام: ۱۴۵).
۱۱. «کل شیء یكون [منه][فیه][حلال و] حرام [وحلال] فهو [لک] حلال [لک] أبداً حتى [أن] تعرف [منه] الحرام [منه] بعینه [فتدعه][فدعه]» (برقی، ۱۳۷۱، ص. ۴۵۹ و ۴۹۶-۴۹۷؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۹۴؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۳۱۳ و ۳۳۹؛ طوسی، ۱۳۶۵، ص. ۷۹)؛ «کل شیء مطلقاً حتى یرد فیہ نص [نهی]» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۱۷؛ أحسانی،

۱۴۰۳ق، ص. ۴۴)؛ «الأشياء مطلقاً ما لم يرد عليك أمرٌ ونهىٌ وكلُّ شيءٍ فيه حلالٌ وحرامٌ فهو لك حلالٌ أبداً ما لم تعرف الحرام منه فتدعه» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۶۱۹)، حدیث «كلُّ شيءٍ هو لك حلالٌ حتّى تعلم أنّه حرامٌ بعينه فتدعه من قبل نفسك وذلك مثل الثوب يكونُ [عليك] قد اشتريته و هو سرقةٌ أو المملوك عندك و لعله حرٌّ قد باع نفسه أو خدع فبيع أو قهر أو إمراه تحتك و هي أختك أو رضیعتك و الأشياء كلها على هذا حتّى یستبین لك غیر ذلك أو تقوم به البینه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۳۱۳-۳۱۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ص. ۲۲۶).

کتابنامه

قرآن کریم.

- آشتیانی، محمود (بی تا). حاشیه علی درر الفوائد (چاپ اول). قم: مؤلف.
- آمدی، علی (۱۳۸۷ق). الإحكام فی أصول الأحكام (چاپ اول). ریاض: المكتب الإسلامی.
- أحسانى، محمد (۱۴۰۳ق). عوالی (چاپ اول). قم: بی نا.
- اراکى، محمد علی (۱۳۷۵). أصول الفقه (چاپ اول). قم: در راه حق.
- اراکى، محمد علی (۱۴۱۳ق). المكاسب المحرمه (چاپ اول). قم: در راه حق.
- اردبیلی، احمد (۱۴۰۷ق). الذخر فی علم الأصول (چاپ اول). قم: مؤلف.
- اسدی، حسن (۱۳۸۳). قاعده احتیاط از دیدگاه فقهاء و اصولیین مذاهب پنج گانه اسلامی. فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق، ۱(۱)، ۴۲-۶۴.
- استرآبادی، محمدمین (۱۴۲۶ق). الفوائد المدنیه (چاپ اول). قم: دفتر اسلامی.
- اشتহারدی، علی پناه (۱۴۱۷ق). مدارک العروه (چاپ اول). تهران: اسوه.
- اصفهانى، ابوالحسن (۱۴۲۲ق). وسیله الوصول إلى حقائق الأصول (چاپ اول). قم: دفتر اسلامی.
- انصارى، مرتضى (۱۴۱۹ق). فرائد الأصول (چاپ اول). قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- انصارى، مرتضى (۱۴۲۰ق). المكاسب (چاپ دوم). قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن سخن (چاپ دوم). تهران: سخن.
- اهوازی، حسین (۱۴۰۲ق). المؤمن (چاپ دوم). قم: مطبوعه علمیه.
- بجنوردی، محمدحسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیة (چاپ اول). قم: دفتر نشر الهادی.
- بجنوردی، محمدحسن (۱۳۸۰). منتهی الأصول (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی (ره).

بحرالعلوم، محمد (۱۴۰۳ق). *بلغۃ الفقیه* (چاپ چهارم). تهران: مکتبه صادق.
 بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضره* (چاپ اول). قم: دفتر اسلامی.
 برقی، احمد (۱۳۷۱ق). *المحاسن* (چاپ دوم). قم: دارالکتب الإسلامیه.
 بهبهانی، علی (۱۳۸۱). *بدائع الأصول* (چاپ اول). اهواز: خوزستان.
 بهجت، محمدتقی (۱۴۲۴ق). *بهجۃ الفقیه* (چاپ اول). قم: شفق.
 تبریزی، جواد (۱۴۱۶ق). *إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب* (چاپ سوم). قم: اسماعیلیان.
 تبریزی، غلامحسین (بی تا). *أصول مهذبیه* (چاپ دوم). مشهد: طوس.
 تبریزی، موسی (۱۳۹۷ق). *أوثق الوسائل فی شرح الرسائل* (چاپ اول). قم: کتبی نجفی.
 ترحینی، محمدحسن (۱۴۲۷ق). *الزبده الفقهیة فی شرح الروضۃ البهیة* (چاپ چهارم). قم: دارالفقه.

تونی، عبدالله (۱۴۱۲ق). *الواقیة فی أصول الفقه* (چاپ اول). قم: مجمع الفکر الإسلامی.
 توکل‌زاده، محمد؛ و عامری‌نیا، محمدباقر (۱۳۹۴). *استثنائات قاعده فقهی احترام مال مسلمان و عمل او. دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، جابلقی، محمد (بی تا). القواعد الشریفه* (چاپ اول). قم: مؤلف.
 جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۵ق). *منتهی الدراییه فی شرح الکفایه* (چاپ چهارم). قم: دارالکتاب.
 جوهری، اسماعیل (۱۴۲۸ق). *الصحاح* (چاپ دوم). بیروت: دارالمعرفه.
 حسینی، محمود (۱۳۸۵). *نتائج الأفكار فی الأصول* (چاپ اول). قم: آل مرتضی.
 حکیم، محسن (۱۴۱۶ق). *مستمسک العروة الوثقی* (چاپ اول). قم: دارالتفسیر.
 حکیمیان، علی محمد (۱۳۹۱). *قاعده احترام مبنای مسئولیت مدنی مسلمانان نسبت به یکدیگر. فصلنامه علمی حقوق اسلامی، ۹(۳۳)، ۳۷-۷۱.*

حلی، جعفر (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام* (چاپ دوم). قم: اسماعیلیان.
 حلی، حسن (۱۴۲۰-۱۴۲۲ق). *تحریر الأحکام* (چاپ اول). قم: امام صادق.
 حلی، حسن (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحکام* (چاپ اول). قم: دفتر اسلامی.
 حلی، حسن (۱۴۲۳ق). *مختلف الشیعه* (چاپ دوم). قم: بوستان کتاب.

حلی، حسن (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب* (چاپ اول). مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

حلی، حسن (۱۴۲۵ق). *نهایه الوصول إلى علم الأصول* (چاپ اول). قم: امام صادق. حلی، حسین (۱۴۳۲ق). *أصول الفقه* (چاپ اول). قم: کتابخانه تخصصی فقه و اصول. حلی، محمد (۱۴۱۴ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی* (چاپ دوم). قم: دفتر اسلامی. خادمی، نورالدین (۱۴۲۱ق). *علم المقاصد الشرعیه* (چاپ اول). ریاض: مکتبه العبیکان. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۱۷ق). بحث حول الصائبه. *فصلنامه علمی فقه أهل البيت*، ۱(۴). حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۱۸ق). *المهادنه، فصلنامه علمی فقه أهل بیت*، ۳(۱۱-۱۲). خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفایه الأصول* (چاپ اول). قم: آل‌البیت. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۲۳ق). *تهذیب الأصول* (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

خوانساری، احمد (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک* (چاپ دوم). قم: اسماعیلیان. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۲۰ق). *مصباح الأصول* (چاپ ششم). قم: کتابفروشی داوری. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا* (چاپ دوم). تهران: دانشگاه تهران. رازی، احمد (۱۳۸۷). *مقایس اللغه* (چاپ اول). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. رازی، محمد (۱۴۱۸ق). *المحصول فی علم أصول الفقه* (چاپ سوم). بیروت: الرساله. رشتی، حبیب‌الله (بی‌تا). *بدائع الأفكار* (چاپ اول). قم: آل‌البیت. روحانی، محمدصادق (۱۳۸۲). *زبده الأصول* (چاپ اول). تهران: حدیث دل. روحانی، محمدصادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق* (چاپ اول). قم: دارالکتاب. زامل، عبدالمحسن (۱۴۲۲ق). *شرح القواعد السعديه* (چاپ اول). ریاض: دارأطلس الخضراء. زحیلی، وهبه (۱۴۰۶ق). *أصول الفقه الإسلامی* (چاپ اول). بیروت: دارالفکر المعاصر. سبحانی، جعفر (۱۴۲۶ق). *إرشاد العقول إلى مباحث الأصول* (چاپ اول). قم: امام صادق. سبحانی، جعفر (۱۴۳۰ق). *الإعتصام بالکتاب و السنه* (چاپ اول). قم: امام صادق. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق). *الصوم فی الشریعه الإسلامیه الغراء* (چاپ اول). قم: امام صادق. سبحانی، جعفر (۱۴۱۹ق). *المحصول فی علم الأصول* (چاپ اول). قم: امام صادق.

- سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق). *الموجز فی أصول الفقه* (چاپ اول). قم: امام صادق.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۶ق). *الوسیط فی أصول الفقه* (چاپ دوم). قم: امام صادق.
- سبزواری، عبدالاعلیٰ (۱۴۱۷ق). *تہذیب الأصول* (چاپ اول). بیروت: المنار.
- سبزواری، عبدالاعلیٰ (۱۳۸۸). *مہذب الأحکام* (چاپ اول). قم: دارالتفسیر.
- سبزواری، علی (۱۴۲۳ق). *الإستنساخ بین التقنیۃ و التشریح* (چاپ دوم). قم: دفتر آیت اللہ سبزواری.
- سبزواری، محمدباقر (۱۲۴۷ق). *ذخیرۃ المعاد فی شرح الإرشاد* (چاپ اول). قم: آل البیت.
- سدلان، صالح (۱۴۱۷ق). *القواعد الفقہیۃ الکبریٰ و ما تفرع عنها* (چاپ اول). ریاض: داربلنسیہ.
- سلامی زاده، فاطمہ؛ و رشوند، مہدی (۱۳۹۵). *قاعدہ احترام در فقہ امامیہ. کنفرانس ملی فقہ، حقوق و روان شناسی.*
- سند، محمد (۱۴۲۸ق). *فقہ المصارف و النقود* (چاپ اول). قم: کتابفروشی فدک.
- سیستانی، علی (۱۴۱۴ق). *قاعدہ لا ضرر و لا ضرار* (چاپ اول). قم: دفتر آیت اللہ سیستانی.
- سیوری، مقداد (۱۴۰۴ق). *التنقیح الرائع* (چاپ اول). قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی.
- شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق). *دراسات فی علم الأصول* (چاپ اول). قم: مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی.
- شرارہ، عبدالجبار (۱۳۹۵ق). *أحکام الغصب فی الفقہ الإسلامی* (چاپ اول). بیروت: مؤسسہ أعلمی / بغداد: دارالتربیہ.
- شلیبی، محمد (۱۴۰۶ق). *أصول الفقہ الإسلامی* (چاپ اول). بیروت: دارالنهضة العربیہ.
- شیرازی، محمد (۱۴۲۶ق). *الفقہ: السلم و السلام* (چاپ اول). بیروت: دارالعلم.
- شیرازی، محمد (۱۴۱۳ق). *الفقہ: القواعد الفقہیہ* (چاپ اول). بیروت: امام رضا.
- شیرازی، محمد (۱۴۲۸ق). *من فقہ الزہراء* (چاپ اول). قم: رشید.
- صافی، لطف اللہ (۱۴۲۸ق). *بیان الأصول* (چاپ اول). قم: دفتر آیت اللہ صافی.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *بحوث فی علم الأصول* (حسن عبدالساتر، تقریر) (چاپ اول). بیروت: محبین.
- صدر، محمدباقر (۱۴۳۱ق). *بحوث فی علم الأصول* (شاهرودی، تقریر) (چاپ چہارم). قم:

دائرة المعارف فقه اسلامی.

- صدوق، محمد (۱۴۰۳ق). النخصال (چاپ اول). قم: دفتر اسلامی.
- صدوق، محمد (۱۴۱۵ق). المقتنع (چاپ اول). قم: امام هادی.
- صدوق، محمد (۱۴۰۴ق). من لایحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: دفتر اسلامی.
- طباطبایی، علی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل (چاپ اول). قم: آل البيت.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان (چاپ پنجم). قم: دفتر اسلامی.
- طبرسی، أحمد (۱۴۰۳ق). الإحتجاج (چاپ اول). مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل (۱۳۷۲). مجمع البیان (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد (۱۳۸۳ق). بشاره المصطفی (چاپ دوم). نجف: المكتبة الحیدریه.
- طوسی، محمد (۱۴۱۴ق). الأمالی (چاپ اول). قم: بعثت.
- طوسی، محمد (۱۴۰۴ق). اختیار معرفه الرجال (چاپ اول). قم: آل البيت.
- طوسی، محمد (۱۳۹۰ق). الاستبصار (چاپ اول). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد (۱۹۹۱م). التبیان (چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طوسی، محمد (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد (۱۳۸۷ق). المبسوط (چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضویه.
- عاملی، زین الدین (۱۴۰۲ق). روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه.
- عاملی، زین الدین (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام (چاپ اول). قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- عاملی، جواد (بی تا). مفتاح الکرامه (چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عاملی، محمد (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام (چاپ اول). قم: آل البيت.
- عاملی، محمد (۱۴۱۰ق). اللعنه الدمشقیه (چاپ اول). بیروت: دار التراث / الدار الإسلامیه.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۳۸۸). الإجتهد و التقليد (چاپ اول). قم: نوید اسلام.
- عسکری، ابوهلال (۱۴۳۳ق). معجم الفروق اللغویه (چاپ ششم). قم: دفتر اسلامی.
- علوانی، جابر (۱۴۲۱ق). مقاصد الشریعه (چاپ اول). قم: ستاره.
- علی شاهی، ابوالفضل (۱۳۹۰). مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی

- (چاپ اول). قم: بوستان کتاب.
- فاضل، محمد (۱۴۳۰ق). *دراسات فی الأصول* (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۲۴ق). *العین* (چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیروزآبادی، محمد (۱۴۲۹ق). *القاموس المحيط* (چاپ اول). قاهره: دارالحدیث.
- فیومی، احمد (۱۴۰۵ق). *المصباح المنیر* (چاپ اول). قم: دارالهجره.
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق). *القوانین المحکمہ* (چاپ اول). قم: إحياء الكتب الإسلامیه.
- قمی، تقی (۱۳۷۱). *آراؤنا فی أصول الفقه* (چاپ اول). قم: محلاتی.
- قمی، علی (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی* (چاپ سوم). قم: دارالکتاب.
- کاشف الغطاء، علی (۱۳۸۱ق). *النور الساطع فی الفقه النافع* (چاپ اول). نجف: مطبعة الآداب.
- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۶ق). *الفردوس الأعلى* (چاپ اول). قم: دارأنوار الهدی.
- کرکی، حسین (۱۳۹۶ق). *هدایة الأبرار* (چاپ اول). نجف: مؤسسه احياء الأحياء.
- کرکی، علی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد* (چاپ دوم). قم: آل البيت.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). *الکافی* (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کمپانی، محمدحسین (۱۴۱۴ق). *نهایة الدرايه* (چاپ اول). قم: آل البيت.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *ادوار اصول الفقه* (چاپ اول). تهران: میزان.
- لنگرودی، مرتضی (۱۳۸۰ق). *الرسائل الثلاث* (چاپ اول). قم: اسلام.
- مالکی، ورام (۱۴۱۰ق). *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر* (چاپ اول). قم: مکتبه فقیه.
- مؤمن، محمد (۱۴۲۵ق). *الولاية الالهية الإسلامیه* (چاپ اول). قم: دفتر اسلامی.
- مجاهد، محمد (۱۴۱۵ق). *مفاتيح الأصول* (چاپ اول). قم: آل البيت.
- محمدی، غلام علی (۱۴۳۰ق). *دروس فی الکفایه* (چاپ اول). بیروت: دارالمصطفی.
- مدنی، یوسف (۱۴۲۹ق). *قواعد الأصول* (چاپ دوم). قم: دفتر آیت الله مدنی.
- مشکینی، علی (۱۴۰۹ق). *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها* (چاپ چهارم). قم: الهادی.
- مشکینی، علی (۱۳۷۷). *مصطلحات الفقه و معظم عناوینہ الموضوعیه* (چاپ اول). قم: الهادی.
- مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۱۷ق). *القواعد* (چاپ سوم). قم: دفتر اسلامی.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵). *أصول الفقه* (چاپ پنجم). قم: اسماعیلیان.

- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی (چاپ چهارم). تهران: ادنا.
- مفید، محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعه* (چاپ اول). قم: دفتر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). *أنوار الأصول* (چاپ دوم). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه* (چاپ اول). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). *الفتاوی الجدیة* (چاپ اول). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). *القواعد الفقهیه* (چاپ اول). قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). *فقه پژوهی* (دفتر دوم) (چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مهریزی، مهدی (۱۴۲۳ق). *مدخل إلى فلسفة الفقه* (چاپ اول) (حیدر نجف، مترجم). بیروت: دارالهادی.
- موسوی، سیدرضی (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه* (چاپ اول). قم: دارالهجره.
- میلانی، علی (۱۴۲۸ق). *تحقیق الأصول* (چاپ دوم). قم: حقائق.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲). *أجود التقریرات* (چاپ اول). قم: عرفان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام* (چاپ هفتم). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نجم آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰). *الأصول* (چاپ اول). قم: مؤسسه آیت الله بروجردی.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۳ق). *موسوعه فقه أهل البيت* (جلد ۱۰) (چاپ اول). قم: دائرة المعارف فقه اسلامی.
- هوشمند فیروزآبادی، حسین (۱۳۹۶). بررسی امکان استخراج ضمان از ادله روایی احترام. *فصلنامه علمی دین و قانون*. ۴(۱۶)، ۹۹-۱۱۴.
- وحید، محمدباقر (۱۴۱۵ق). *الفوائد الحائریه* (چاپ اول). قم: مجمع الفکر الإسلامی.

The Holy Quran.

Ashtiani, M. (Bita). *Margins on Benefits* (First Edition). Qom: Author.

Amadi, A. (1387Q). *Rulings in the Principles of Rulings* (First Edition). Riyadh: Islamic School.

Ehsaei, M. (1403Q). *Awali* (First Edition). Qom: Bina.

Araki, M, A. (1375). *Principles of Jurisprudence* (First Edition). Qom: In the Right Way.

Araki, M. A. (1413Q). *AL Mokhseb AL Moharamah* (First Edition). Qom: In the Right Way.

- Asadi, H. (1383). The Rule of Precaution from the Point of View of the Jurists and Fundamentalists of the Five Islamic Religions. *Scientific Quarterly of Jurisprudence and Fundamentals of Law*, 1 (1), 42-64.
- Astarabadi, M, A. (1426Q). *Civil Benefits* (First Edition). Qom: Islamic Office.
- Eshtehardi, A. (1417Q). *Al-Arwa Documents* (First Edition). Tehran: Aswa.
- Isfahani, A. (1422Q). *The Means of Access to the Facts of the Principles* (first edition). Qom: Islamic Office.
- Ansari, M. (1419Q). *Faraid al-Osul* (First Edition). Qom: Islamic Thought Association. Ansari, Morteza (1420Q). *The Gains* (Second Edition). Qom: Islamic Thought Association.
- Anwari, H. (1382). *The Great Dictionary of Speech* (Second Edition). Tehran: Sokhan.
- Ahwazi, H. (1402Q). *The Believer* (Second Edition). Qom: Scientific Press.
- Bojnurdi, M, H. (1419Q). *Rules of Jurisprudence* (First Edition). Qom: Al-Hadi Publishing Office.
- Bojnord, M, H. (1380). *The End of Principles* (First Edition). Tehran: Imam Khomeini Publishing House.
- Bahr al-Ulum, M. (1403Q). *Balgha al-Faqih* (Fourth Edition). Tehran: Sadegh School.
- Bahrani, Y. (1405Q). *AL Hadaegh AL Nazereh* (First Edition). Qom: Islamic Office.
- Barqi, A. (1371Q). *Al-Mahasin* (Second Edition). Qom: Islamic Library.
- Behbahani, A. (2002). *Bada'i al-Osul* (First Edition). Ahvaz: Khuzestan.
- Bahjat, M, T. (1424Q). *Bahja al-Faqih* (First Edition). Qom: Shafaq.
- Tabrizi, J. (1416Q). *Guiding the Student to Comment on the Achievements* (Third Edition). Qom: Ismailis
- Tabrizi, G, H. (Bita). *Principles of Politeness* (Second Edition). Mashhad: Toos.
- Tabrizi, M. (1397Q). *Assaq AL Esal fi Sharh AL Rasael* (First Edition). Qom: Written by Najafi.
- Tarhini, M, H. (1427Q). *AL Zobdeh AL Feghihe fi sharh AL Roze AL Bihe* (First Edition). Qom: Dar al-Fiqh.
- Tony, A. (1412Q). *Wafia in the Principles of Jurisprudence* (First Qdition). Qom: Islamic Thought Association.
- Jabalqi, M. (Bita). *The Rules of the Noble* (First Edition). Qom: Author.
- Jazayeri, M, J. (1415Q). *Montahi AL Derayat fi Sharhe AL Kefayah* (Second Edition). Qom: Dar al-Kitab.
- Johari, I. (1428Q). *AL Sahah* (Second Edition). Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Hosseini, M. (1385). *The Results of Thoughts in Principles* (First Edition). Qom: Al Morteza.
- Hakim, M. (1416 Q). *Al-Urwa Al-Wathqi* (First Edition). Qom: Dar al-Tafsir.
- Hakimian, A, M. (1391). The Rule of Respect is the Basis of Muslims' Civil Liability to Each Other. *Scientific Quarterly of Islamic Law*, 9 (33), 37-71.
- Hali, J. (1408Q). *Sharia of Islam* (Second Edition). Qom: Ismailis.
- Hali, H. (1420-1422Q). *Writing the Rulings* (First Edition). Qom: Imam Sadegh.
- Hali, H. (1413Q). *Rules of Judgments* (First Edition). Qom: Islamic Office.
- Hali, H. (1423Q). *Various Shiites* (Second Edition). Qom: Book Garden.

- Hali, H. (1412Q). *The End of the Content* (First Edition). Mashhad: Quds Razavi Threshold Research Foundation.
- Hali, H. (1425Q). *The End of Access to the Science of Principles* (First Edition). Qom: Imam Sadegh.
- Hali, H. (1432Q). *Principles of Jurisprudence* (First Edition). Qom: Specialized Library of Jurisprudence and Principles.
- Hali, M. (1414Q). *Al-Sarai Al-Hawi for Tahrir al-Fatawi* (Second Edition). Qom: Islamic Office.
- Khademi, N. (1421Q). *The Science of Religious Purposes* (First Edition). Riyadh: Library of the Abyssinians.
- Hosseini Khamenei, S, A. (1417Q). Debate about Al-Sabeeh. *Scientific Quarterly of Jurisprudence of Ahl al-Bayt*, 1 (4).
- Hosseini Khamenei, S, A. (1418Q). Al-Mahdaneh, *Quarterly Scientific Fiqh of the People of the House*, 3 (11-12).
- Khorasani, M, K. (1409Q). *Sufficiency of Principles* (First Edition). Qom: The Family.
- Musawiya Khomeini, S. R. (1423Q). *Refinement of Principles* (First Edition). Tehran: Imam Khomeini Publishing House.
- Khansari, A. (1405Q). *Comprehensive Evidence* (Second Edition). Qom: Ismailis.
- Khoei, A, A, Q. (1420Q). *Mesbah al-Osul* (Sixth Edition). Qom: Davari Bookstore.
- Dehkhoda, A, A. (1377). *Dehkhoda Dictionary* (Second Edition). Tehran: Tehran University.
- Razi, A. (1387). *Comparison of Language* (First Edition). Qom: Research Institute and University.
- Razi, M. (1418Q). *Product in the Science of the Principles of Jurisprudence* (Third Edition). Beirut: Letter.
- Rashti, H. (Bita). *Innovations of Thoughts* (First Edition). Qom: The Family.
- Rouhani, M, S. (1382). *The Principles* (First Edition). Tehran: Hadith Del.
- Rouhani, M, S. (1412Q). *Fiqh al-Sadiq* (First Edition). Qom: Dar al-Kitab.
- Zamil, A, M. (1422Q). *Explanation of the Rules of the Chest* (First Edition). Riyadh: Dar al-Atlas al-Khazra.
- Zahili, W. (1406Q). *Principles of Islamic Jurisprudence* (First Edition). Beirut: Contemporary think tank.
- Sobhani, J. (1426Q). *Guidance of the Minds to the Matters of Principles* (First Edition). Qom: Imam Sadegh.
- Sobhani, J. (1430Q). *Intercession with Books and Sunnah* (First Edition). Qom: Imam Sadegh.
- Sobhani, J. (1420Q). *Fasting in Islamic Sharia Al-Ghara* (First Edition). Qom: Imam Sadegh.
- Sobhani, J. (1419Q). *Product in the Science of Principles* (First Edition). Qom: Imam Sadegh.
- Sobhani, J. (1423Q). *Al-Mujaz in the Principles of Jurisprudence* (First Edition). Qom: Imam Sadegh.
- Sobhani, J. (1426Q). *The Middle in the Principles of Jurisprudence* (Second Edition). Qom: Imam Sadegh.

- Sabzevari, A, A. (1417Q). *Refinement of Principles* (First Edition). Beirut: Al-Manar.
- Sabzevari, A, A. (1388). *The Polite of Rulings* (First Edition). Qom: Dar al-Tafsir.
- Sabzevari, A. (1423Q). *Copying between Religion and Legislation* (Second Edition). Qom: Office of Ayatollah Sabzevari.
- Sabzevari, M, B. (1247Q). *Save the Resurrection in the Explanation of Guidance* (First Edition). Qom: The Family.
- Sedlan, S. (1417Q). *Algavaed AL Feghiye Alkobra and ma Tafara Anha*. (First Edition). Riyadh: Darblensieh.
- Sind, M. (1428Q). *Fiqh of Consumption and Cash* (First Edition). Qom: Fadak Bookstore.
- Sistani, A. (1414Q). *The Rule of no Harm and no Harm* (First Edition). Qom: Ayatollah Sistani's office.
- Suri, M. (1404Q). *Al-Tanqih Al-Ra'i* (First Edition). Qom: Ayatollah Marah Library.